

کمیته برگزاری مسابقات رباتیک آسیا و اقیانوسیه، تصمیم به تعویق این رقابت‌ها گرفت.

با توجه به جنگ تحمیلی آمریکایی صهیونی به ایران و شرایط بحرانی در منطقه، امکان آماده‌سازی و اعزام به موقع تیم‌های دانش آموزی وجود نداشت. در همین راستا، کمیته برگزاری مسابقات آسیا و اقیانوسیه با برگزاری جلسه‌ای فوق‌العاده،نسبت به تعویق مسابقات مالتزی رای مثبت داد.

کمیته برگزاری مسابقات در تماس مستقیم با نادر نوبخت سرپرست تیم رباتیک و نماینده اتحادیه دانشگاه‌های آسیا اقیانوسیه در ایران ابراز امیدواری کرد با عادی شدن شرایط و امکان حضور همه تیم‌های منطقه غرب آسیا، این مسابقات در بالاترین سطح در کشور مالتزی بر گزار شود.

زمان جدید برگزاری مسابقات در اجلاسیه این کمیته، پایان مه‌ا آوریل، تعیین خواهد شد. این تصمیم، فرصتی دوب‌ه‌ه برای تیم‌های دانش آموزی است تا با آمادگی کامل، در این رقابت‌های مهم شرکت کنند.

در این رابطه، نادر نوبخت، سرپرست تیم رباتیک دانش‌آموزی ایران، در گفت‌وگو با «جوان» با اشاره به معرفی مجموعه رباتیک دانش‌آموزی ای ران توسط اتحادیه دانشگاه‌های آسیا و اقیانوسیه، می‌گوید: «تقریباً از سه ماه گذشته، اتحادیه دانشگاه‌های آسیا و اقیانوسیه، مجموعه رباتیک دانش‌آموزی ایران را به عنوان مسئول استعدادیابی دانش‌آموزان در ایران معرفی کرده و به‌عنوان نماینده خود تعیین کرده است. این اتفاق تاثیر بسیار زیادی در جهت‌دهی به استعدادهای نخبگان دانش‌آموزی ما دارد.»

به گفته‌او، در راستای این معرفی، دانش‌آموزان ایرانی برای شرکت در مسابقات آسیا و اقیانوسیه که قرار بود اوایل اردیبهشت‌ماه در مالتزی بر گزار شود، آماده‌سازی می‌شدند: «ما تقریباً یک ماهی را از اواسط بهمن ماه،

### یادداشت

## جنگ خنده‌دار نیست آقای مسی!

■ محیا حسینی

برای بسیاری، سال‌ها یک اسطوره بوده‌است، نه تنها برای بازیکنانی که او را الگو می‌دانند، بلکه برای کودکانی که شاید هرگز نتوانستند یک توپ یا حتی یک دست لباس با نام او را بخرند، در این وجود اما، در دلشان، تنها با عشق به او تسوی می‌زند. چه چندش آور و تلخ است که این اسطوره فوتبالی آنها، در مقابل سقفی که بر سرشان آوار شده، لبخند می‌زند!

جنگ برای امثال هولداند ترامپ، شاید یک تصمیم سیاسی یا حتی تجاری باشد، اما دنیا، به‌خصوص دنیای کودکان، نمی‌تواند بپذیرد که کسی مثل لیونل مسی، در برابر تجاوزه بر خاک یک کشور و کشتن بی‌رحمانه دانش‌آموزان و کودکان، لبخند بزند و به آن رضایت دهد! واکنش‌های گسترده در نقطه به نقطه دنیا، حتی در کشورهای اروپایی و ایالات متحده، نشان داده که بسیاری از مردم جهان نمی‌توانند این جنگ ناچونمردانه را تاب بیاورند. صدای دفاع از ایران و کودکان ایرانی که در این جنگ تحمیلی شهید شدند، در خیابان‌های کشورهای متعدد و نشک‌تواند اجتماعی ملتهب انداز شده‌است.

به‌ویژه حمله وحشیانه به مدرسه منیاب، جایی که هزاران رویا در دل دانش‌آموزان جوان می‌درخشید اما از بیز رفت، دخترانی که به کلاس درس فرقتند، اما ناگهان در حمله آمریکایی صهیونی هدف بمباران قرار گرفتند و به شهادت رسیدند. تصویر آن لحظه سرد و بی‌رحمانه، زخمی عمیق بر دل هر انسانی که به عدالت و انسانیت باور دارد، نشانه‌ها با برخی، خود را به تفهیمیدن زده‌اند!

وقتی هواداران مسی، حتی انتظار یک خطای خشن یا کارت قرمز از او ندارند، او را امرادای از تواضع و مهربانی می‌دانند، هنم این رفتار، دشوار است. لبخند او به حرف‌های مردی که بسیاری او را دودانوه خطاب می‌کنند، برایشان سخت و سنگین است. شاید مسی، اطلاع درستی از واقعیت ندارد، شاید هم دارد! کسی نمی‌داند! اما بی‌شک، او به خوبی می‌داند که در سراسر جهان، میلیون‌ها هوادار دارد؛ کودک و بزرگ، پس انتظار رفتاری معقولانه، یا دست‌کم بی‌تفاوتی از او می‌رود. نه مشوقی و نه همراهی با جنگ!

پرواضح است که هیچ موشک و اسلحه‌ای نمی‌تواند دوست را از دشمن، کودک را از بزرگ تشخیص دهد. به همین دلیل، لبخند زدن به جنگ، با هر انگیزه‌ای، پذیرفتنی نیست، به‌خصوص از سوی کسی مثل لیونل مسی که برای بسیاری، فراتر از یک ورزشکار و یک الگو است. از همان لحظه اول انتشار تصویر حضور مسی در مراسمی که ترامپ در آن از حملات آمریکا و اسرائیل علیه ایران تمجید می‌کرد، انتقادهای گسترده کاربران و فعالان رسانه‌ای در فضای مجازی منتشر شد. انتقاداتی که نشان داد مردم، به‌خصوص هواداران، انتظار دارند او فراتر از یک بازیکن فوتبال ظاهر شود و یک انسان مسئولیت‌پذیر باشد. انتقاداتی که با زبان بی‌زبانی فریاد می‌زد که آنها، اسطوره‌ای می‌خواهند که در مواجهه با ظلم و بی‌عدالتی، سکوت نکند. البته شاید مسی بعد از این، با یک انتخاب درست بتواند مردمی بر این ویرانه‌ها بنشاند، مردمی که از جنس همدردی و امید باشد، و به کودکان ایرانی (که تعداد زیادی از آنها هوادار ش هستند) بفهماند که هنوز هم در این دنیا، کسانی هستند که دردشان را احساس می‌کنند.

## جامعه

سرویس اجتماعی ۶۰۰۸۸۵۲۰

# تعویق مسابقات رباتیک آسیاقیانوسیه

## جنگ تحمیلی علیه ایران، علم و دانش را هم در جهان وادار به عقب‌نشینی می‌کند



نوبخت با اشاره به پیگیری‌های خود با مسئولان

کمیته برگزاری می‌گوید: «طی

تماسی که بامسئول کمیته

برگزاری مسابقات

داشتم، ایشان هم

از اتفاق افتاده ابراز

تأسف کردند و

هم اعلام آمادگی

کردند برای اینکه

به هر ترتیبی که

می‌توانند برای

آماده سازی

بچه‌ها، چه برای این مسابقات

و چه برای مسابقات آتی،

همکاری کافی را

داشته باشند.»

نوبخت در

پایان با ابراز

امیدواری

نسبت

به

عملکرد تیم ایران، تصریح می‌کند: «من خیلی امیدوار

هستم تم ۱۵ نفره ما، که متشکل از بهترین تیم‌هایی

است که تاکنون داشته‌ایم و نخبه‌ترین دانش‌آموزانمان

را برای مسابقات در نظر گرفته بودیم، بتواند به خوبی

آماده شود. این مسابقات یک راه خیلی مستقیم و

معرفی این استعدادها به دانشگاه‌ها و مراکز آموزش

عالی کشورهای آسیایی و اقیانوسیه خواهد داشت.

۲۱۰ دانشگاه معتبر در این منطقه عضو اتحادیه هستند

و کاملاً مسابقات را رصد می‌کنند. این مسابقات برای ما

بسیار حائز اهمیت است و ما خیلی خرسند شدیم که

این اتفاق در کمیته برگزاری رخ داد و ازشون صمیمانه

تشکر کردیم. امیدوار هستیم با ایجاد یک فضای

مناسب در آینده نزدیک بتوانیم تیم‌مان را آماده کنیم

و در این مسابقات به بهترین نحو حاضر شویم.»

به گزارش «جوان»، نگاه‌ها به آینده‌ای روشن‌تر دوخته

شده‌است. آینده‌ای که در آن، استعدادهای درخشان

رباتیک ایران، فرصت خواهند داشت تا در بستر صلح

و ثبات منطقه‌ای، خود را به جهان معرفی کنند و نام

ایران را در عرصه بین‌المللی بدرخشند. بی‌تردید این

تعویق، نه تنها پایان راه، بلکه فرصتی برای تجدید قوا و

آمادگی بیشتر برای رویارویی با چالش‌ها و تحقق

روایهای دانش‌آموزان ایرانی است.



در سازمان بهزیستی شکل گرفت.

■ شما در چه زمینه‌هایی برای مواجهه با بحران جنگ بر نامه ریزی و تدبیر داشتید؟

مهمترین نکاتی که برای ما وجود داشت این است که ما باید از دو جهت وارد شویم. نخست اینکه مجموعه امکاناتی که سازمان بهزیستی دارد مثل ۱۴۸۰ به

عنوان خدمات روانشناسی و مشاوره برای مردم و ۱۲۲ به عنوان مداخلات حرفه‌ای مبتنی بر بحران، طبیعتاً باید در خدمت مردم باشد و الان هم در سراسر ایران این سامانه‌ها در کنار مردم و پاسخگوی تعملات روانی و مداخلات روانشناسی مردم هستند.

■ گویا شیر خوار گاه آمنه هم تخلیه شده‌است؟

بله؛ با جمعیت‌هایی داریم که در اختیار ما هستند و به صورت شبانه‌روزی مقیم هستند؛ سالمندان، شیر خوارگان و معلولان که محافظت کردن از آنها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بنابراین جاهایی که این مراکز در مجاورت مکان‌هایی است که احتمال حمله در آنها وجود دارد، تدابیری اندیشیده شده تا این مراکز تخلیه‌کنند و به مناطق امن بروند. مثل شیر خوار گاه آمنه که شناخته شده‌تر است. البته جاهای دیگری هم هست که ممکن است چنین احتمالاتی وجود داشته باشد و تخلیه این مراکز انجام شده است تا در معرض خطر نباشند. نکته سومی که تدبیر شده اینکه همین مراکز به لحاظ امکانات اولیه، آذوقه، دارو و اقلامی که نیاز دارند، تهیه شده است تا اگر در شرایط بحرانی قرار بگیرند از این جهت دچار مشکل نشوند.

علاوه بر این‌ها در زمینه‌اینکه چگونه باید با کودکان و سالمندان در مواقع بحران و شرایط جنگی مواجه شد محتوای آموزشی لازم تهیه شده و در اختیار مراکز تحت

پوشش بهزیستی قرار گرفته‌است. همچنین شرایط ایمنی مورد نظر برای این گروه‌ها هم تحت دستورالعمل‌هایی به مراکز ارسال شده‌است تا بتوانند آمادگی‌های اولیه را هم از حیث روانی و اجتماعی و هم از حیث مایحتاج و هم از حیث صیانت از کودکان، سالمندان و معلولینی که در کنار در مجاورت مراکز خاص هستند، داشته باشند.

■ با توجه به روابط بین‌المللی که سازمان شما با نهاده‌ها و سازمان‌های بین‌المللی دیگر دارد آیا برای هشدار و اعتراض به این حملات ناچونمردانه که علیه کشورمان صورت گرفته‌است اقداماتی داشته‌اید؟

بله ما در جنگ ۱۲ روزه این کار را کردیم و به دادگاه‌های بین‌المللی انجمن‌های بین‌المللی اعتراضاتی داشتیم. هم از طریق خود ما و هم

از طریق انجمن‌هایی که در این زمینه فعالند مانند انجمن حقوق کودک یا انجمن مددکاران اجتماعی، انجمن جامعه شناسان و امثال آن وفق مقررات

ما این‌ها در سازمان ملل مطرح کردیم. گفتن این‌ها وظیفه ماست، حالا اینکه بگوییم چقدر اثربخش است؛ خود شما می‌دانید که جامع حقوقی و بین‌المللی نظام بین‌الملل از کارآمدی کافی برخوردار نیستند.

■ بیشتر این نهاده‌ها کارده‌های تشریفاتی دارند تا عملیاتی!

ممکن است یک جاهایی بتوانند اثرگذار باشند ولی حداقل در رابطه با ما تاکنون نتوانستند موثر واقع شود!

### ایرادات

## جامعه‌ای که از سوگ همبستگی می‌سازد



دهمین روز از حملات صهیونی امریکایی به سرزمین ما سپری می‌شود؛ روزهایی که در آن صدای انفجار با صدای گریه مادران و تشییع شهیدان درهم آمیخته‌است. در این مدت، بیش از هزار شهروند بی‌دفاع جان باخته‌اند و ساختمان‌های درماتی، آمدادی، اداری و مسکونی تخریب شده‌اند. هر جامعه‌ای ممکن است در برابر چنین فشار سنگینی دچار فروپاشی روحی شود؛ اما آنچه در ایران دیده می‌شود، تصویری متفاوت است. خیابان‌ها خالی نشده‌اند، مراسم‌ها تعطیل نشده و مردم در میدان مانده‌اند.

این پدیده تنها یک واکنش احساسی نیست؛ ریشه‌های عمیق در ساختار اجتماعی و تاریخی جامعه ایران دارد. برای فهم این موضوع باید به یک نکته مهم توجه کرد: ملت‌ها در شرایط بحران، یا به درون پناهگاه‌ها عقب می‌روند یا به میدان جامعه می‌آیند. انتخاب هر یک از این دو مسیر، بازتابی از فرهنگ تاریخی، حافظه جمعی و سرمایه اجتماعی آن جامعه است.

در بسیاری از کشورها، وقتی آژیر خطر به صدا درمی‌آید، خیابان‌ها خالی می‌شوند و شهرها به سکوت فرو می‌روند. اما در ایران و برخی سرزمین‌های دیگر که تجربه مقاومت تاریخی داشته‌اند، صحنه‌های متفاوت شکل می‌گیرد. مردم نسه تنها از میدان اجتماعی کنار نمی‌روند، بلکه با حضور در مراسم‌های جمعی، تشییع‌ها و آیین‌های عمومی، نوعی همبستگی اجتماعی فعال ایجاد می‌کنند.

از نگاه جامعه‌شناسی، چنین رفتاری نشان دهنده وجود سرمایه اجتماعی بالا در جامعه است. سرمایه اجتماعی یعنی میزان اعتماد، همبستگی و احساس تعلقی که مردم نسبت به یکدیگر و سرزمین خود دارند. هر چه این سرمایه بیشتر باشد، جامعه در برابر بحران‌ها مقاومت عمل می‌کند.

حضور گسترده مردم در خیابان‌ها، در حقیقت یک پیام روشن دارد: جامعه هنوز خود را یک «کل واحد» می‌داند. در چنین شرایطی، هر فرد احساس می‌کند که سر نوشتش با سر نوشت دیگران گره خورده است؛ با این فرضیات است که می‌توان به پرسش‌هایی پیرامون چرایی فروپاشیدن جامعه ایرانی سخن گفت. به بیان دیگر، یکی از پرسش‌های مهم در روزهای جنگ این است که چرا جامعه‌ای با وجود فشارهای سنگین، دچار فروپاشی ذهنی و روانی نمی‌شود. پاسخ این پرسش را باید در چند عامل مهم جست‌وجو کرد.

نخست، حافظه تاریخی مقاومت است. جامعه ایران در طول تاریخ بارها با بحران‌ها و تهدیدهای بیرونی مواجه شده است. این تجربه تاریخی نوعی الگوی ذهنی در جامعه ایجاد کرده است. اینکه بحران‌ها گذرا هستند اما هویت جمعی باقی می‌ماند. دیگر مورد موثر در این رابطه، فرهنگ آیینی و جمعی است. آیین‌های سوگوار، تشییع‌های باشکوه و مراسم‌های عمومی تنها یک واکنش احساسی نیستند؛ بلکه کل کرد اجتماعی مهمی دارند. این آیین‌ها به مردم اجازه می‌دهد درد و اندوه خود را به صورت جمعی بیان کنند و از تنهایی روانی خارج شوند.

عامل دیگر، احساس عدالت‌خواهی و دفاع از هویت است. در بسیاری از جوامع، وقتی مردم احساس کنند که در برابر یک تهدید خارجی قرار دارند، نوعی انسجام ملی شکل می‌گیرد. این انسجام می‌تواند حتی اختلاف‌های داخلی را موقتاً کمرنگ کند.

در روزهای اخیر، در میان افکار عمومی نوعی مطالبه برای ادامه ایستادگی و تحمل یک نبرد طولانی دیده می‌شود. این موضوع را نمی‌توان صرفاً به احساسات لحظه‌ای نسبت داد. در واقع جامعه ایران در طول دهه‌های گذشته تجربه‌هایی داشته که به آن موخته است در برخی بحران‌ها، اسقامت طولانی مدت یک راهبرد جمعی محسوب می‌شود.

در چنین شرایطی، افکار عمومی به نوعی آمادگی ذهنی برای یک دوره فشار با تیرخ فرسایشی می‌رسد. این آمادگی از دل همان حافظه تاریخی و فرهنگی شکل می‌گیرد که در آن مقاومت، بخشی از هویت جمعی تلقی می‌شود.

حضور مردم در خیابان‌ها و مراسم‌های جمعی فقط یک نمایش نمادین نیست، وقتی مردم کنار یکدیگر قرار می‌گیرند، احساس تنهایی و ترس کاهش می‌یابد. دیدن جمعیت‌های بزرگ، شنیدن صداهای مشترک و تجربه یک احساس جمعی، به افراد این پیام را می‌دهد که جامعه هنوز زنده و فعال است.

در واقع خیابان در چنین شرایطی به یک فضای روانی مشترک تبدیل می‌شود؛ فضایی که در آن مردم می‌توانند امید، اندوه و اراده خود را به صورت جمعی تجربه کنند. حضور گسترده مردم در عرصه اجتماعی، علاوه بر آثار روانی و فرهنگی، پیامدهای راهبردی نیز دارد. در بسیاری از جنگ‌ها، یکی از اهداف اصلی طرف مقابل، تضعیف روحیه جامعه و ایجاد فروپاشی داخلی است. اگر جامعه دچار ناامیدی یا بی‌اعتمادی شود، حتی بدون شکست نظامی نیز ممکن است دچار بحران شود. در مقابل، جامعه‌ای که حضور فعال در عرصه عمومی دارد، این پیام را منتقل می‌کند که از درون منسجم است. این انسجام اجتماعی می‌تواند یکی از مهم‌ترین عوامل در تعیین سرنوشت بحران‌ها باشد. از همین رو، در بسیاری از نظر به‌های جنگ و امنیت ملی گفته می‌شود که پشتوانه مردمی یکی از ستون‌های اصلی قدرت یک کشور است.

آنچه امروز در خیابان‌ها و مراسم‌های جمعی دیده می‌شود، تنها واکنشی به یک رویداد تلخ نیست؛ بلکه نشانه‌ای از تلاش جامعه برای حفظ هویت و امید در سخت‌ترین شرایط است. جامعه‌ای که بتواند در دل بحران، همبستگی خود را حفظ کند و از اندوه جمعی برای تقویت پیوندهای اجتماعی استفاده کند، در واقع در حال ساختن سرمایه‌ای است که می‌تواند آینده آن جامعه را شکل دهد. در نهایت، شاید مهم‌ترین پیام این روزها همین باشد: قدرت یک ملت تنها در تجهیزات یا امکانات خلاصه نمی‌شود؛ گاهی بزرگ‌ترین قدرت، اراده مردمی است که تصمیم می‌گیرند در میدان بمانند.

دعوت می‌کنیم با تبیین صحیح شرایط و خنثی‌سازی شایعات و القاتات دشمن، نقش تاریخی خود را در این برهه حساس ایفا نمایند.

سوم: از فشار دانشگاهیان آگاه، انقلابی و متعهد، به ویژه دانشجویان که سرمایه‌های اصلی این مرز و بوم هستند، انتظار می‌رود که هوشاری به خود را به بالاترین سطح ممکن برسانند. دشمن در شرایط کنونی به دنبال ایجاد تفرقه، بی‌ثباتی و به‌انحرف کشاندن خیزش مردم در دفاع از ایران عزیز و خون شهداست. دانشگاهیان باید با حفظ وحدت و انسجام، پشتیبان محکمی برای امنیت و اقتدار ملی بوده و نگارند دشمنان از این حادثه تلخ، سو‌استفاده‌ای کنند. بداندی که راه آیت‌الله خامنه‌ای شهید دامه دارد و خون ایشان درخت تومند انقلاب را آبیاری خواهد کرد.